



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در بررسی اوراق مالی بود که مشروعیت بسیاری از این اوراق بررسی شد، هر چند به بررسی اوراق منفعت رسیدیم ولی نکته ای در باب اوراق جعاله ناقص مانده بود که در اینجا به تکمیل آن بحث می‌پردازیم:

جهت پنجمی که در اوراق جعاله مطرح کردیم این بود که اگر صاحبان اوراق جعاله در بین کار، عاجز از تکمیل عمل شدند، آیا مستحق اجرتی هستند یا اینکه مسح چیزی نیستند؟ که در این بحث روایتی را مطرح کردیم:

محمد بن یعقوب عن محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد عن العباس بن معروف عن أبي شعيب المَحَامِلِي الرَّفَاعِي قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ قَبْلَ رَجُلًا حَفَرَ بِعَشْرِ قَامَاتٍ دَرَاهِمٍ فَحَفَرَ قَامَةً ثُمَّ عَجَزَ فَقَالَ لَهُ جُزْءٌ مِنْ خَمْسَةِ وَخَمْسِينَ جُزْءًا مِنَ الْعَشْرَةِ دَرَاهِمٍ.

ورواه الصدوق في المقنع مرسلًا^۲.

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي شُعَيْبِ الْمَحَامِلِيِّ الرَّفَاعِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ قَبْلَ رَجُلًا أَنْ يَحْفَرَ لَهُ عَشْرَ قَامَاتٍ بَعَشْرَةَ دَرَاهِمٍ فَحَفَرَ لَهُ قَامَةً ثُمَّ عَجَزَ فَقَالَ تَقْسِمُ عَشْرَةَ عَلَى خَمْسَةِ وَخَمْسِينَ جُزْءًا فَمَا أَصَابَ وَاحِدًا فَهُوَ لِلْقَامَةِ الْأُولَى وَالْإِثْنَانِ لِلثَّانِيَةِ وَالثَّلَاثَةُ لِلثَّلَاثَةِ وَعَلَى هَذَا الْحِسَابِ إِلَى الْعَشْرَةِ.

ورواه الشيخ بإسناده عن سهل بن زياد^۳ ورواه في النهاية عن أبي شعيب المَحَامِلِيِّ^۴.

که در یکی از اسناد «سهل بن زیاد» وجود داشت که اشکالاتی در مورد ایشان مطرح است لکن به نظر ما وثاقت ایشان اشکالی ندارد. بقیه افراد نیز ثقه بودند و تنها مشکلی که در این اسناد وجود داشت، «ابی شعیب محاملی رفاعی» بود، که گفته شد از آنجایی که وثاقت ایشان ثابت نمی‌شود، پس این روایات دچار اشکال سندی می‌باشد.

لکن از آنجایی که ممکن است اشکال شود که چرا وثاقت «ابی شعیب محاملی» اثبات نمی‌شود، در حالی که این شخص را نجاشی و شیخ طوسی نوثق کرده اند؟! فلذا به تفصیل به بررسی وثاقت این شخص می‌پردازیم:

عناوینی که در کتب رجالی مطرح است، عبارت است از:

۱. ابو شعیب المَحَامِلِي؛ در فهرست و رجال شیخ طوسی در اصحاب امام کاظم (علیه السلام) با همین عنوان آمده است و نه اسم او مشخص است و نه عناوین زائدی دارد. که این عنوان توسط شیخ، توثیق شده است.

۱. (۵) - المقنع - ۱۳۴.

۲. وسائل الشیعة ۱۹: ۱۵۹.

۳. (۱) - التهذيب ۶- ۲۸۷ - ۷۹۴.

۴. (۲) - النهاية - ۳۴۸ - ۱.

۵. وسائل الشیعة ۱۹: ۱۵۹.



۲. ابو شعيب المحاملى الكوفى؛ این عنوان را مرحوم نجاشى مطرح کرده است^۱ و توثيق کرده و در ادامه فرموده است که: «مولى علي بن الحكم بن الزبير الأنباري» که از اصحاب امام کاظم عليه السلام می‌باشد.
۳. صالح بن خالد المحاملى ابو شعيب الكناسى؛ این عنوان نیز در رجال نجاشى است^۲، که در ادامه گفته است «مولى علي بن الحكم بن الزبير مولى بني أسد» که این عنوان نیز از اصحاب امام کاظم عليه السلام می‌باشد ولی توثيق نشده است. علاوه بر این سه عنوان که در کتب رجالى مطرح شده و ترجمه مستقل دارند، یک عنوان ديگرى نیز وجود دارد، که ترجمه مستقل ندارد:
۴. ابو شعيب صالح بن خالد؛ که هيچ قيد ديگرى ندارد، که این عنوان به عنوان راوى از «ثابت بن شريح» در فهرست شيخ ذکر شده است.^۳
- و آخرين عنوان عبارت است از:
۵. ابو شعيب المحاملى الرفاعى؛ که این عنوان در کتب روايى آمده است و در روايت از اصحاب امام صادق (عليه السلام) است.
- فرض می‌کنيم که عنوان «ابو شعيب المحاملى الرفاعى» در کتب روايى، صحيح است، حال می‌گويم که: اگر همان طور که برخی محققين همه این عناوين را یک شخص در نظر گرفته اند، ما نیز همه این عناوين را یک نفر بدانيم: وثاقت این شخص با هر عنوانی که باشد، اثبات می‌شود.
- که قرينه این وجه این است که راوى همه این عناوين «عباس بن معروف» است، پس همه این عناوين یک شخص هستند. مخصوصاً با توجه به اینکه سه عنوان اول، همگی از اصحاب امام کاظم (عليه السلام) می‌باشند.
- ولى به صورت جدی وحدت این عناوين، محل اشکال است، زیرا که:
- در رجال نجاشى دو عنوان آمده است: «صالح بن خالد المحاملى ابو شعيب الكناسى» و «ابو شعيب المحاملى الكوفى» و ظاهر تعدد عنوان در یک کتاب، این است که معنون ها نیز متعدد هستند.
- هر چند وحدت راوى و امام عليه السلام در این سه وجود دارد ولی این مطلب صرفاً یک قرينه احتمالی است و دليل بر وحدت معنون نمی‌باشد. پس مخصوصاً با توجه به دقت مرحوم نجاشى در ذکر عناوين، مشخص می‌شود که این عناوين حداقل دو معنون داشته اند.
- مگر اینکه حمل بر اشتباه نجاشى شود که در اثر فراموشی این کار را کرده است.
- ممکن است گفته شود که در کلام مرحوم نجاشى قرينه وجود دارد که این دو عنوان یک نفر می‌باشند:
- علاوه بر اینکه راوى هر دو «عباس بن معروف» است و هر دو از اصحاب امام کاظم (عليه السلام) هستند، هر دو «مولى علي بن الحكم بن الزبير» هستند و این قرينه اطمینان بخش است که این دو عنوان یک نفر می‌باشند.

۱. رجال النجاشى؛ ص ۴۵۶؛ أبو شعيب المحاملى كوفى، ثقة، من رجال أبي الحسن موسى عليه السلام، مولى علي بن الحكم بن الزبير الأنبارى. له كتاب. أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا الحسين بن علي بن سفيان قال: حدثنا أحمد بن إدريس، عن محمد بن عبد الجبار، عن عباس بن معروف، عن أبي شعيب بكتابه.

۲. رجال النجاشى، ص: ۲۰۱؛ صالح بن خالد المحاملى أبو شعيب الكناسى، مولى علي بن الحكم بن الزبير مولى بني أسد، روى عن أبي الحسن موسى عليه السلام. له كتاب يرويه عنه جماعة، منهم عباس بن معروف أخبرنا عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا عبد الله بن جعفر قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال: حدثنا عباس بن معروف قال: حدثنا أبو شعيب بكتابه.

۳. فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (طوسى، طبع جديد)، النص، ص: ۲۰۵.



لکن همان طور که گفته شد، قرینه اول و دوم، احتمالی است و اطمینان بخش نیست و همچنین در مورد قرینه سوم، باید گفت که:

در مورد یکی گفته شده است «علی بن الحکم بن الزبیر مولی بنی اُسد» ولی در مورد دیگری گفته شده است «علی بن الحکم بن الزبیر الأنباری» پس در اینجا نیز این بحث پیش می‌آید که «علی بن الحکم بن الزبیر مولی بنی اُسد» و «علی بن الحکم بن الزبیر الأنباری» یک نفر هستند یا دو نفر هستند، که خود بحث مفصلی دارد و اگر هم احتمال تعدد در اینجا را بدهیم، دلیلی بر اتحاد «ابو شعیب» ها پیدا نمی‌کنیم؛ مگر اینکه برای شخصی اطمینان شخصی پیدا شود ولی به صورت عام برای همه نمی‌تواند ظهورآور و اطمینان بخش باشد.

اما در مورد «ابو شعیب المحاملی الرفاعی» باید گفت که ایشان از اصحاب امام صادق (علیه السلام) می‌باشد، زیرا که در هر دو روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، پس گر چه منافاتی ندارد شخصی از اصحاب دو امام باشد ولی باید توجه داشت که ابوشعیبی که مرحوم شیخ ذکر کرده است، در اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر نشده است و فقط در اصحاب امام کاظم (علیه السلام) ذکر کرده است و مرحوم نجاشی در هر دو فقط فرموده است که از امام کاظم علیه السلام روایت نقل می‌کند، که همه این موارد احتمال وحدت «ابوشعیب محاملی رفاعی» با سایر عناوین قبلی را کم و بعید می‌کند. علاوه بر اینکه این عنوان، قید «رفاعی» را دارد در حالی که در سایر عناوین چنین قیدی وجود ندارد. پس وحدت احراز نمی‌شود.

نتیجه اینکه برای سقوط حجیت سند روایت، احتمال تعدد در اینجا - که تردید بین ثقه و غیر ثقه وجود دارد - کافی است.

لکن در اینجا شبهه ای وجود دارد که «ابو شعیب محاملی رفاعی» شخص مستقلی نیست و یکی از همان عناوین سابق است، زیرا که در نقل مرحوم کلینی چنین آمده بود:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ الْمَحَامِلِيِّ الرَّفَاعِيِّ

و سند دوم مرحوم کلینی نیز چنین بود:

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ مَعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنِ أَبِي شُعَيْبٍ الْمَحَامِلِيِّ الرَّفَاعِيِّ

که این دو سند در جلد هفتم کتاب کافی در دو مکان تحت عنوان باب نوادر (کتاب القضا و الاحکام، باب النوادر، حدیث اول، ص ۴۲۲، حدیث سوم) همچنین در همین باب در صفحه ۴۳۳، سند دوم را ذکر کرده است.

لکن در تهذیب در چاپ های در دسترس ما چنین آمده است:

عن ابي شعيب المحاملي عن الرفاعي^۱

که بر این اساس، قید «الرفاعی» وصف برای «ابی شعیب» نیست بلکه مروی عنه او می‌باشد.

پس اگر نسخه شیخ صحیح باشد، دیگر عنوان پنجم وجود ندارد و در واقع در کتب رجالی تنها سه عنوان وجود دارد و کمی احتمال

۱. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۶، ص: ۲۸۷؛ سهل بن زیاد عن معاوية بن حكيم عن أبي شعيب المحاملي عن الرفاعي قال: سألت أبا عبد الله ع عن رجل قبل رجلاً يحفر له بئراً عشر قامات بعشرة دراهم فحفر له قامته ثم عجز قال يقسم عشرة على خمسة وخمسين جزءاً فما أصاب واحداً فهو للقائمة الأولى والثانية والثالثة والثالثة للثالثة على هذا الحساب إلى العشرة.



وحدت آن سه عنوان تقویت می‌شود.

پس در نسخه کافی «الرفاعی» وصف است و در تهذیب «الرفاعی» مروی عنه است؛ لکن در وسائل الشیعه وقتی که از تهذیب روایت را نقل کرده است، «الرفاعی» را وصف نقل کرده است فلذا مشخص می‌شود که نسخ تهذیب مختلف است و بعضی نسخه ها «عن الرفاعی» دارد (که در دسترس ما است) و بعضی نسخ «الرفاعی» وصف است (در دسترس صاحب وسائل بوده است). پس با توجه به اختلاف در نسخ، امر دائر بر این می‌شود که واژه «عن» اضافه شده است یا در بعضی نسخ سقط شده است، یعنی دوران بین زیاده یا نقیصه در نسخ تهذیب وجود دارد، و در اینجا این دو با هم تعارض دارند، زیرا در واقع یکی از این دو نسخه صحیح بوده است و بعداً اضافه یا کم نوشته شده است.

در دوران امر بین زیاده و نقیصه دو مبنا وجود دارد:

مبنای اول: هیچ کدام مقدم نیستند و هر دو ساقط می‌شوند، زیرا که پشتوانه و مبنای این اصل ها، بنا و سیره عقلا می‌باشد و در مواردی که دوران بین نقیصه و زیاده رخ می‌دهد یا اصلاً بنای عقلا وجود ندارد و یا اینکه محرز نیست که عقلا در این موارد چه سیره و بنایی دارند (مشخص نیست که کدام را مقدم می‌کنند)؛ بعض محققین مثل شهید صدر این مبنا را قبول دارند. بنابراین مبنا هر دو اصل ساقط می‌شوند فلذا سند روایت با مشکل مواجه می‌شود.

مبنای دوم: اصل عدم زیاده مقدم بر اصل عدم نقیصه است، فلذا نسخه ای که زیاده دارد، صحیح است و نسخه ای که نقیصه دارد، اشتباه است فلذا عبارت «ابی شعیب المحاملی عن الرفاعی» صحیح است.

زیرا که در اشتباهات و زمانی که حواس انسان پرت می‌شود، نوعاً سقط واقع می‌شود و زیاده کمتر واقع می‌شود. حتی بنا بر پذیرش این مبنا، همچنان اشکال دیگری نیز باقی می‌ماند و آن عبارت است از :

نقل مرحوم شیخ (که فرض کردیم «عن الرفاعی» است) با نقل مرحوم کلینی (که «الرفاعی» صفت برای «المحاملی» است) تعارض پیدا می‌کند، زیرا که حدیث دوم را هم مرحوم شیخ و هم مرحوم کلینی نقل کرده اند؛ فلذا دوران دیگری رخ می‌دهد که عبارت است از: دوران بین اشتباه مرحوم شیخ یا اشتباه مرحوم کلینی. که در اینجا نیز ممکن است گفته شود چون دوران بین زیاده در نسخه شیخ یا نقیصه در نسخه مرحوم کلینی است، پس اصل عدم زیاده مقدم است فلذا نسخه شیخ مقدم است و «عن الرفاعی» صحیح است؛ همچنین احتمال دارد که بر اساس مبنای اول گفته شود که تعارضاً و تساقطاً یا اینکه احتمال دیگری بدهیم به این صورت که: مرحوم کلینی اضبط و ادق است پس با توجه به اینکه در این قسمت کتاب کافی اختلاف نسخه ندارد، پس نقل کافی مقدم است و لذا «الرفاعی» صفت است؛ البته در مقابل این احتمال، ممکن است اینگونه پاسخ داده شود که هر چند مرحوم کلینی اضبط و ادق است ولی چه بسا اشتباه در اینجا از طرف مرحوم کلینی و شیخ نبوده است بلکه از طرف دیگران بوده است مثلاً با توجه به اینکه این روایت از کتاب «سهل بن زیاد» استخراج شده باشد، لکن آن «عدة من اصحابنا» که برای مرحوم کلینی از کتاب «سهل بن زیاد» این روایت را نقل کرده اند، «الرفاعی» را صفت نقل کرده اند و نسخه ای که با واسطه برای مرحوم شیخ از سهل بن زیاد نقل کرده است «عن الرفاعی» بوده است، پس ممکن است اشتباه از طرف راویان از سهل بن زیاد باشد پس ربطی به ادق و اضبط بودن مرحوم کلینی ندارد؛ البته ممکن است در اینجا نیز پاسخ داده شود که با توجه به اینکه عده ای از اصحاب از کتاب سهل بن زیاد برای مرحوم کلینی نقل کرده اند و همگی به یک صورت نقل کرده اند، احتمال اشتباه این تعداد کمتر است، پس نقل مرحوم کلینی مقدم است و اشتباه از طرف راوی برای شیخ بوده است (چه راوی بلا واسطه از سهل و یا راوی با واسطه).

پس با توجه به همه این مطالب، اثبات اینکه در مقام کدام نقل صحیح است و در واقع «عن الرفاعی» است یا «الرفاعی» صفت است «



مشکل است و هیچ کدام ثابت نمی‌شود.

البته اگر اثبات می‌شد که «ابو شعیب המחاملی» صحیح بوده است، این عنوان توثیق داشت. پس در نهایت وثاقت «ابوشعیب המחاملی الرفاعی» ثابت نمی‌شود.

حتی بنابراین فرض که گفته شود: نسخه صحیح «ابی شعیب המחاملی عن الرفاعی» است، نوبت به اثبات وثاقت «الرفاعی» می‌رسد که در مورد ایشان نیز عناوین متعدد وجود دارد فلذا در مورد او نیز این بحث وجود دارد که یک نفر است یا افراد متعدد است: ۱. رفاعه بن موسی:

رفاعة بن موسى الأسدی النخاس روی عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام، كان ثقةً في حديثه مسكوناً إلى روايته، لا يعترض عليه بشيء من الغمز، حسن الطريقة. له كتاب مبوب في الفرائض. أخبرنا الحسين بن عبید الله قال: حدثنا أحمد بن جعفر قال: حدثنا حميد بن زياد قال: حدثنا أحمد بن الحسن البصرى قال: حدثنا أبو شعيب صالح بن خالد המחاملی عنه بكتابه.^۱

که راوی این شخص نیز «ابو شعیب صالح بن خالد המחاملی» است. فلذا به این قرینه ممکن است «عن الرفاعی» مقصود این شخص باشد، که بنابراین نقل هم رفاعه ثقة است و هم ابوشعیب صالح ثقة است. این احتمال در کلمات برخی از محققین از رجالیون مطرح شده است. لکن اشکال این احتمال این است که: در سند حدیث رفاعه گفته نشده است بلکه گفته شده است «الرفاعی» یعنی منسوب به اوست نه خود او. فلذا این احتمال وجهی ندارد.

۲. محمد بن ابراهیم:

مرحوم شیخ در زمره اصحاب امام صادق علیه السلام ایشان را ذکر کرده است: محمد بن ابراهیم الرفاعی الکوفی.^۲ در روایت ما نیز الرفاعی از امام صادق علیه السلام نقل حدیث کرده است. لکن این شخص توثیق خاص ندارد و تنها توثیق عام قوی ایشان این است که در قسمت مرتب اصحاب امام صادق علیه السلام آمده است و بنابراینکه قسمت مرتب در رجال شیخ طوسی استخراج از رجال ابن عقده شده و او نیز اصحاب ثقات امام صادق علیه السلام را نوشته بوده است، وثاقت این شخص اثبات می‌شود. و در این صورت روایت صحیح می‌شود. ولی اگر این مبنا مورد پذیرش نباشد، روایت از حجیت می‌افتد.

همچنین همان طور که گفته شد، اگر «الرفاعی» صفت باشد، سند روایت با مشکل مواجه می‌شود.

^۱. رجال النجاشی؛ ص ۱۶۶.

^۲. رجال الطوسی (جامعه مدرسین)؛ ص ۲۷۶.



پس با توجه به همه مطالب گفته شد، هر چند ظن پیدا می‌شود که «بوشعیب محاملی» همان افراد ثقه قبلی است و فرد جدیدی نیست و مثلاً «الرفاعی» نیز «محمد بن ابراهیم» باشد لکن چون اطمینان به این مطالب حاصل نمی‌شود، حجیت این روایت با مشکل مواجه می‌شود.

پس روایت «تقسیم مال الاجارة» که در روایت تعبیر «قبَل» آمده بود و این تعبیر اعم از اجاره و جعاله است، قابل استناد نیست. مگر اینکه از ابتدای قرارداد این جهت را ملاحظه کرده باشند که اگر عمل ناقص بماند، اجرتی به عامل برسد یا خیر و مثلاً چند درصد به او برسد.